

زمینه‌های گرایش زنان به جنبش‌های جدید اجتماعی

(مورد مطالعه؛ دانشجویان دانشگاه آزاد کرج)

نوذر امین صارمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: تحولات پدید آمده در دهه‌های اخیر مانند گسترش فزاینده ارتباطات و تغییرات روزافزون ساختارهای فرهنگی اجتماعی، رویکرد نوینی را در بررسی عوامل و بسترهای موجد نارضایتی و اعتراضات جمعی، به‌ویژه در رابطه با زنان مطرح کرده است. این جنبش‌های جدید در جامعه ایران نیز به اشکال مختلف ظهور و بروز دارد. این پژوهش باهدف بررسی عوامل و زمینه‌های گرایش به جنبش‌های جدید اجتماعی در بین زنان و دختران دانشجو انجام شده است.

روش: در این پژوهش کاربردی که به شیوه پیمایش انجام شده، ۳۸۴ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد کرج با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب و با کمک پرسش‌نامه روا و پایا (۰/۸۷) مورد پرسش قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: پژوهش نشان داد که عوامل و زمینه‌های فرهنگی، هویتی و ارزشی به ترتیب بیشترین رابطه را با گرایش زنان به کنش‌های اجتماعی دارد. وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز نشان داد زمانی که پایگاه زنان بالاتر باشد، احساس رضایت‌مندی بیشتری از شرایط داشته و به همان میزان نیز گرایش کمتری به کنش‌های اجتماعی خواهند داشت. این امر ضرورت توجه به زمینه‌های جنبش‌های اجتماعی زنان در ایران را برجسته می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، ناآرامی، زنان، ارزش، فرهنگ

مقدمه

تحولات پدید آمده در دهه‌های اخیر مانند گسترش فزاینده ارتباطات و تغییرات روزافزون ساختارهای فرهنگی اجتماعی، رویکردهای تازه‌ای را در بررسی عوامل و بسترهای موجد نارضایتی و اعتراضات جمعی به‌ویژه در رابطه با زنان مطرح کرده است. در دیدگاه‌های سنتی و کلاسیک، جنبش‌های اجتماعی معطوف به عوامل و زمینه‌های ساختاری همانند مسائل اقتصادی، مبارزه طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی بودند، اما رویکردهای جدید با طرح بسترهای فرهنگی، هویتی و شناختی، نگاه دیگری به تبیین جنبش‌های اجتماعی دارند.

این موضوع در برخی جنبش‌های زنان نمود بیشتری دارد. زنان به‌عنوان کنشگران اصلی جنبش‌های فمینیستی، به دلیل تعامل قوی با یکدیگر می‌توانند منشأ اعتراضات و کنش‌های اثرگذاری در جامعه شوند. حرکت‌های فمینیستی به‌عنوان بخشی از جنبش‌های اعتراضی به‌طور دائم در حال کنش یا واکنش با متن جامعه و دارای خصلتی دوگانه است؛ از یک‌سو دارای ویژگی‌های فرهنگی است و از سوی دیگر، منعکس‌کننده شرایط عمومی جامعه در رابطه با قشر زنان است. در گذشته جنبش‌های زنان عمدتاً بر محورهای نابرابری طبقه‌ای، فقر و فمینیسم رادیکال متمرکز بود، اما با رشد طبقه متوسط در اغلب کشورها همانند ایران و از طرف دیگر، تحولات فرهنگی ارتباطی دهه‌های اخیر، ظهور جنبش‌های زنان در متن یک صورت‌بندی جدید اجتماعی شکل گرفته و در حقیقت نمادهای تازه‌ای را از روابط اجتماعی و سیاسی مطرح کرده‌اند (امین صارمی، ۱۳۹۳). این جنبش‌ها عمدتاً از ابزارهای میکرو فیزیک قدرت استفاده کرده که بر سلول‌های جامعه تأثیرگذار می‌شود. آن‌ها عمدتاً ماهیت فرهنگی داشته و هنجار و ارزش تولید و بازتولید می‌کنند. اگر در گذشته جنبش‌های اجتماعی دارای سازمان و ایدئولوژی بودند امروز شاهد تولید و تولد «خود ابرازی» هستیم (باکلا، ۱۹۹۵؛ کلاندرمانز، ۱۳۹۴ و اممن، ۱۳۸۶). یعنی خود فرد در فرآیند جنبش، ایدئولوژی می‌سازد، رهبری می‌کند، از طریق ابزارهای نرم به مبارزه می‌پردازد و نظم موجود را به چالش می‌طلبد. به عقیده اوفه^۱، ویژگی جنبش‌های جدید وجود سازمانی باز و سیال، مشارکتی فراگیر و غیر ایدئولوژیک و توجه بیشتر به دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی به‌جای

1. bokler
2. klanderman
3. ommemmn
4. euffe

دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی است (دلپورتا^۱، ۱۳۸۳، ص ۲۷). این جنبش‌های جدید در عرصه‌های زنان، عرصه گسترده‌ای داشته و در جامعه ایران نیز به اشکال مختلف ظهور و بروز دارد. شکل‌گیری کمپین‌ها، استفاده از مد و اشاعه بدحجابی و به عرصه کشاندن آن‌ها، تجمعات نمادین و استفاده از نمادسازی در اعتراضات از جمله جنبش‌های جدیدی است که در چند ساله اخیر و هر از چند گاهی در کشور خود را نشان می‌دهد. این پژوهش درصدد است تا ضمن بررسی این کنش‌ها، به مطالعه عوامل و زمینه‌های گرایش به این جنبش‌های جدید اجتماعی در بین زنان و دختران دانشجو بپردازد.

جنبش اجتماعی: جنبش اجتماعی یکی از مهم‌ترین اشکال رفتار جمعی است که تعداد کثیری از مردم در آن سازمان‌یافته و فعالانه شرکت می‌کنند. اگرچه این پدیده در اغلب نوشته‌ها زیر عنوان رفتار جمعی مورد بحث قرار می‌گیرد، اما تفاوت‌های اساسی با آن دارد. رفتار جمعی معمولاً به روش فکری، احساسی و اعمال بخش اعظمی از مردم که نسبتاً خود به خودی صورت می‌گیرد و از طرح و الگویی خاص پیروی نمی‌کند اطلاق می‌شود و برخلاف یک جنبش، اغلب بی‌برنامه، بی‌هدف، سازمان‌یافته و عاری از ایدئولوژی است (رابرتسون^۲، ۱۹۹۱، ص ۵۸۷). در مقابل، جنبش اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان‌یافته‌ای درصدد برمی‌آید تا تحولاتی را چه سطحی و چه عمقی پدید آورند. گیدنز این پدیده را از جمله اشکال کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه تعریف کرده است و می‌گوید: «جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد» (گیدنز^۳، ۱۳۸۰، ص ۶۷۱). گی روشه معتقد است که جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل‌گرفته و مشخص است که به‌منظور دفاع یا گسترش یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد (گی روشه^۴، ۱۳۷۵، ص ۱۶۴). آنچه اصولاً جنبش اجتماعی را مشخص می‌سازد متقاضی و مدعی بودن آن است که سعی در شناساندن و پیروز گرداندن ایده‌ها و منافع و ارزش‌های معینی را دارد. بدین منظور، پیوسته سعی در افزایش اعضاء و کوشش در جهت جلب توجه عامه و نیز نخبگان جامعه می‌کند.

جنبش زنان: جنبش زنان، جنبشی سازمان‌یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی‌ای برای دگرگونی جامعه است که هدف آن صرفاً تحقق برابری اجتماعی زنان نیست، بلکه رؤیای دفع انواع

1. delaporta
2. robertson
3. Gidens
4. Gee Roche

تبعیض و ستم نژادی را در سر می‌پروراند. همه گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده این جنبش گرد آمده‌اند، بر این باورند که زنان با بی‌عدالتی روبه‌رو شده‌اند، اما درباره علل ستم بر آنان، تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌دهند و بر همین پایه، راهبردهای متفاوتی نیز پیشنهاد می‌کنند. جنبش اجتماعی زنان فعالیت‌های فمینیستی دارای ویژگی‌های زیر است:

- **هویت زنانه:** هویت زنانگی هویتی است که نقش زن را در تمامی حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و مذهبی شکل می‌دهد و مشخص می‌کند که این جنبش از چه افراد و دیدگاه‌هایی تشکیل شده است، سخنگوی چه افراد و گروه‌هایی از زنان است و چه خواسته‌ها و مطالباتی دارد. در واقع، آشنایی زنان با دنیای جدید و ارتباط با ملت‌های پیشرفته، سبب ایجاد دو شکاف بزرگ در ذهن آن‌ها شده است؛ یکی شکاف میان اصل نوگرایی و تحقق آن در جامعه و دیگری شکاف میان ملت‌های پیشرفته جهان و اوضاع حاکم بر جوامع آن‌ها.

- **آرمان‌گرایی:** آرمان‌گرایی همواره روحیه تلاش، مبارزه و ایثار را به درون جنبش زنان تزریق می‌کند و همین امر، عاملی برای ظهور و بروز تحولات فمینیستی از سوی زنان شده است.

- **دوگانگی رفتار:** رفتار جنبش اجتماعی زنان دوگانه است. آن‌ها که بیشتر در معرض فرهنگ بومی قرار دارند، به نوعی به رفتار سیاسی حکومت گرایش دارند و آنان که بیشتر فرهنگ جدید را کسب می‌کنند، به علت عدم امکان ورود به قلمروی سیاسی، از حاکمیت فاصله گرفته و دست به اقداماتی می‌زنند.

بخشی از جریان اصلی کنش‌های جمعی زنان معطوف به جنبش‌های فمینیستی است. فمینیسم، جنبشی سازمان‌یافته برای دستیابی به حقوق زنان و ایدئولوژی‌ای برای دگرگونی تعریف شده است. واژه فمینیسم^۱ اولین بار در ۱۸۳۷ وارد زبان فرانسه شد و «آیینی است که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است» (میشل^۲، ۱۳۸۳، ص ۱۱). اما در واقع، فمینیسم نه تنها در زمینه گسترش حقوق و نقش زن در جامعه فعالیت می‌کند که در حیطه عمل نیز وارد شده است. این جنبش در دهه اخیر با وقوع انقلاب ارتباطی و توسعه ابزارهای فرهنگی اشاعه وسیعی یافته است.

جنبش‌های جدید اجتماعی: در چند دهه اخیر، ظهور جنبش‌های اجتماعی و شیوه‌های جدید بیان خواسته‌ها و اعتراض‌ها، گستره متنوعی از اشکال رفتار جمعی را مطرح ساخته که از نظر اهداف، ماهیت و روش مبارزه، با جنبش‌های کلاسیک تفاوت اساسی دارد. این رویکرد جدید، معطوف به قدرتی است

1. feminism

2. Michel

که به تعبیر جوزف نای^۱، «قدرت نرم» به شمار می‌آید؛ قدرتی که ماهیت آن متفاوت شده و چهره تازه‌ای یافته که مبتنی بر ذهنیت پردازی و اقتناع‌سازی است. به این ترتیب، جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر ماهیت سخت خود را از دست داده و به اثرگذاری نرم روی آورده است. فضای جهانی و تراکم زمانی و مکانی که جهان معاصر تجربه می‌کند، بر تحولات و ساخت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع تأثیر گذاشته (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳) و این فرآیند موجب تغییر در هنجارها، الگوها و رفتارها شده و ناهنجاری‌های اجتماعی تازه‌ای را تولید کرده است. اگر جنبش‌های کلاسیک و سنتی به صورت مستقیم کانون قدرت سیاسی را نشانه می‌گرفتند، جنبش‌های جدید دارای ماهیتی پنهان و سیال بوده که در سلول‌های ریز جامعه نفوذ کرده و به تولید و بازتولید هنجارها، نمادها و خرده‌فرهنگ‌های خاص می‌پردازند. آن‌ها عمدتاً هویت‌های فرهنگی و ارزشی خاص جامعه را نشانه می‌گیرند. در این رویکردها، زور و خشونت نمود کمتری دارد و در عوض، توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به جای اجبار یا تشویق) صورت می‌گیرد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ایده‌های سیاسی، انجام می‌شود. به این ترتیب، ظهور مفاهیم جدیدی چون تهدید نرم و جنگ نرم را به همراه داشته و چهره دیگری از امنیت یعنی امنیت نرم را نشانه گرفته است.

چارچوب نظری پژوهش؛ نظریه تورن و ملوچی^۲: آلن تورن و آلبرتو ملوچی با طرح نظریه‌های هویت و شناخت، نگاه تازه‌ای به تبیین جنبش‌های اجتماعی داشته‌اند. تورن در تعریف جنبش اجتماعی جدید بر بعد معنا سازی و تفسیری آن تأکید دارد و این جنبش‌های اجتماعی را به عنوان تعاملات دارای سمت‌گیری هنجاری می‌بیند که از یک میدان فرهنگی مشترک، تفاسیر متعارض و مدل‌های اجتماعی متضادی عرضه می‌کنند. به این ترتیب، جنبش‌های اجتماعی جدید با اتکا به منطقی نسبتاً مستقل از منطق نظام مسلط به عنوان فرآیندهایی اجتماعی عمل می‌کنند که طی آن‌ها، هویت‌های جدید شکل می‌گیرند و راه‌های بدیل زندگی آزموده می‌شوند. وی تفاوت عمده جنبش‌های جدید اجتماعی با جنبش‌های قدیمی را در این می‌بیند که محور تعارضات اجتماعی در این جنبش‌ها، مشکلات فرهنگی و به‌ویژه اخلاقی است؛ زیرا سلطه‌ای که به چالش کشیده شده، تنها کنترل ابزار تولید را در دست ندارد، بلکه تولید کالاها را نمایند، یعنی اطلاعات و تصاویر و خود فرهنگ را کنترل می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۱۹۸). از نظر تورن، آن‌ها برای نیل به جامعه‌ای مبارزه می‌کنند که براساس تنوع و تکثر تعریف می‌شود. هدف آن‌ها بیش از آنکه

1. Josef Naye

2. Turain & Meluchi

براندازی باشد ایجاد گسست در روابط اجتماعی است. تورن با تأکید بر فرآیند هویت آفرینی جنبش‌های جدید اشاره می‌کند که آن‌ها از خود خلاقیت در مقابل منافع و لذت دفاع می‌کنند. در نگرش تورن، امروزه جنبش‌های اجتماعی مستقیماً بر سر شرایط اجتماعی حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند و جامعه معاصر بیش از گذشته از طریق فرهنگ بر روی فرد تأثیر می‌گذارد. تورن به خاطر توجهش به دگرگونی اجتماعی از طریق سیاست فرهنگی از تأثیرگذاران بر چرخش پسا مدرن است. تعریف او از کنش اجتماعی عقیده‌اش را در مورد اهمیت ستیز فرهنگی روشن می‌سازد: «کنش، رفتار یک بازیگر است که به واسطه گرایش‌های فرهنگی هدایت می‌شود و درون روابط اجتماعی که ویژگی آن کنترل اجتماعی گرایش‌های فرهنگی توسط گروه‌های مسلط است ایجاد می‌شود» (نش، ۱، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴).

ملوچی از اصطلاح سیاست فرهنگی استفاده نمی‌کند، لیکن نگرشش در مورد جنبش اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای مرتبط با ستیز هویت جمعی بسیار به مفهوم سیاست فرهنگی نزدیک است. از نظر ملوچی، جنبش‌های اجتماعی جدید ذاتاً متکثر هستند، یعنی بازیگران خاصی مانند جنبش‌های کارگری قرن ۱۹ ندارند. آن‌ها دارای سطوح متفاوتی از کنش می‌باشند (از برخوردهای سیاسی در معنای محدود کلمه تا واکنش‌های تدافعی و به چالش کشیدن قواعد زندگی روزمره) و از گروه‌های بازیگر متفاوتی برخوردارند که دلایل متفاوتی برای مشارکتشان در کنش جمعی دارند (ملوچی، ۱۹۸۹، ص ۲۰۳).

ملوچی با رد این نگرش که مبارزان متعهد یا سازمان‌های جنبش اجتماعی بازیگران اصلی کنش جمعی هستند با عقاید تورن برخورد پیدا می‌کند. به عقیده ملوچی، جنبش‌های اجتماعی قبل از هر چیز از طریق شبکه‌های شناور نامحسوس تقویت می‌شوند که به وسیله آن‌ها تجربیات زندگی منتقل می‌شوند، تجربیات جدیدی خلق می‌شوند و هویت‌های جمعی ساخته می‌شوند. در نگرش او با توجه به اینکه موجودیت جنبش‌ها به صورت اقدامات غیردائمی و عضویت شناور و غیرثابت شکل گرفته و به این طریق قدرتش را کسب و حفظ می‌کنند، آن‌ها نسبتاً به‌ندرت به‌عنوان یک پدیده کاملاً مرئی و آشکار ظاهر می‌شوند. گروه‌های برانگیزنده آگاهی در جنبش زنان مثال خوبی برای شبکه‌های شناور ملوچی هستند که عبارت بودند از فروشگاه‌های غذایی بهداشتی، گروه‌های پیاده‌روی و پارک‌ها و طرفداران حفظ محیط‌زیست. هرچند جنبش‌ها ممکن است به حدی نامحسوس شوند که گویی به‌کلی ناپود شده‌اند، لیکن اقدامات شبکه گروه‌ها و افراد، راه‌های دیگری برای زندگی و تفکر ارائه می‌دهند که به آرامی قواعد مسلط جامعه را به چالش می‌کشند و آماده‌اند تا در صورت ایجاد فرصت، مردم را برای

اعتراض عمومی بسیج کنند (تیلی^۱، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

از نظر ملوچی جوامع جدید قبل از هر چیز به نمادها توجه دارند حتی تولید و توزیع کالاهای اقتصادی نیز به گونه‌ای نمادین با واسطه‌ طرح، آگهی، تبلیغات رسانه‌ها و غیره انجام می‌گیرد. در نتیجه، جنبش‌های اجتماعی جدید برخلاف همتایان قرن نوزدهمی‌شان معطوف به مبارزه بر سر تولید منابع مادی، توزیع یا جلوگیری از حقوق شهروندی به وسیله دولت‌ها نیست؛ بلکه معطوف به دسترسی به اطلاعات (برای مثال در مورد خطرات آلودگی هوا) و بحث بر سر منابع نمادین (نظیر خشونت رسانه‌ای) می‌باشند. آن‌ها قبل از هر چیز به مبارزه در حوزه‌های فرهنگی توجه دارند و از ابزارهای رسانه‌ای زیاد استفاده می‌کنند. ملوچی همانند هابرماس^۲ معتقد است جنبش‌های جدید به گسترش فضاهای عمومی بین دولت و مردم می‌انداشند، در این فضاها جنبش‌ها می‌توانند معضلات و موضوعات را برای سایر جامعه و برای بازیگران سیاسی به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی چگونگی برخورد با معضلات بیان کنند. به عقیده ملوچی، چنین فضاهای عمومی از قبل تا حدی در نهادهای تولید دانش نظیر دانشگاه‌ها وجود داشته، اما آن‌ها باید در زمینه ارتباطات و رسانه‌ها تقویت شوند تا زمینه ارتباط و مباحثه میان بازیگران گوناگون درگیر را فراهم آورند.

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر نظریه آلن تورن و آلبرتو ملوچی است و فرضیه‌های پژوهش از این نظریه گرفته شده و عبارت‌اند از:

- عوامل فرهنگی با گرایش زنان و دختران دانشجو به جنبش‌های جدید اجتماعی رابطه دارد.
- عوامل هویتی با گرایش زنان و دختران دانشجو به جنبش‌های جدید اجتماعی رابطه دارد.
- عوامل ارزشی با گرایش زنان و دختران دانشجو به جنبش‌های جدید اجتماعی رابطه دارد.
- پایگاه اقتصادی اجتماعی با گرایش زنان و دختران دانشجو به جنبش‌های جدید اجتماعی رابطه دارد.

روش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش را دانشجویان دانشگاه آزاد کرج به تعداد حدود دوازده هزار نفر تشکیل داده‌اند و حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین و به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته بهره‌گیری شده است.

1. Tilly

2. Habermas

اعتبار ابزار به شیوه‌ی روایی صوری و پایایی با آزمون آلفای کرونباخ انجام گرفته که میزان آن ۰/۸۷/ محاسبه شده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و با آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: بررسی داده‌های جمعیت شناختی جامعه پژوهش نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان، ۲۸/۲ سال است؛ از نظر اشتغال، ۴۶/۷ درصد پاسخگویان شاغل و ۲۰/۳ درصد خانه‌دار هستند. ۳۵/۴ درصد آن‌ها متأهل و ۶۴/۶ درصد مجردند.

بررسی میزان گرایش به کنش در جنبش‌های جدید اجتماعی که در جدول ۱ ارائه شده نیز نشان می‌دهد که این تمایل در مورد ۷۶/۳ درصد از پاسخگویان در سطح متوسط و پایینی و در بین ۲۳/۷ درصد باقیمانده در سطح بالایی قرار دارد و میانگین میزان تمایل عدد ۲/۹۲ از ۵ است؛ یعنی در سطح متوسط پایینی است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان گرایش به کنش در جنبش‌های جدید اجتماعی

			گرایش به کنش در جنبش‌های جدید اجتماعی
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۶/۲	۶/۲	۲۴	خیلی پایین
۲۸/۶	۲۲/۴	۸۶	پایین
۷۶/۳	۴۷/۷	۱۸۳	متوسط
۹۶/۶	۲۰/۳	۷۸	بالا
۱۰۰/۰	۳/۴	۱۳	خیلی بالا
-	۱۰۰/۰	۳۸۴	جمع
	۲/۹۲		میانگین
	۰/۸۰۹		واریانس

براساس نتایج جدول ۲، درصدهای متغیر عوامل فرهنگی نشان می‌دهد که ۴۱ درصد پاسخگویان از زمینه‌های فرهنگی متوسط، ۴۲/۷ درصد آن‌ها از زمینه‌های فرهنگی پایین و تنها ۱۵/۹ افراد درصد زمینه‌های فرهنگی زیاد و خیلی زیادی داشتند. میانگین عوامل و زمینه‌های فرهنگی برابر با ۲/۶۱ است که نمایانگر زمینه‌های فرهنگی در حد متوسط و متوسط رو به پایین است. همچنین، جدول ۲، میانگین

عوامل هویتی پاسخگویان را در حد متوسط رو به بالا (۲/۸۲) نشان می‌دهد. در نهایت، این جدول نشان می‌دهد که بیشترین پاسخگویان (۳۸ درصد)، دارای زمینه‌های ارزشی مساعد برای انجام کنش بودند.

جدول ۲. عوامل و زمینه‌های گرایش زنان به کنش‌های جدید اجتماعی

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد				تعداد پاسخ‌های معتبر	متغیر
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۰/۹۹۲	۲/۶۱	۳/۱	۱۲/۸	۴۱/۰	۲۷/۶	۱۵/۱	۳۸۴ عوامل فرهنگی
۱/۰۰۶	۲/۸۲	۴/۴	۲۱/۴	۳۴/۹	۳۰/۷	۸/۶	۳۸۴ عوامل هویتی
۱/۱۱۲	۳/۱۹	۹/۶	۳۸/۰	۲۰/۶	۲۵/۵	۶/۲	۳۸۴ عوامل ارزشی

یافته‌های استنباطی: در ادامه با کمک آزمون‌های آماری، فرضیه‌های پژوهش آزمون می‌شوند.

جدول ۳ رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

پایگاه اجتماعی-اقتصادی	نگرش به عملکرد پلیس	عوامل هویتی			عوامل فرهنگی			سن	متغیرهای مستقل / متغیر وابسته
		نهادی	تعمیم یافته	شخصی	کل	غیررسمی	رسمی		
۰/۱۵۶	۰/۳۰۵	۰/۲۸۷	۰/۳۵۷	۰/۲۹۰	۰/۴۶۰	۰/۲۶۲	۰/۳۲۳	۰/۳۴۳	۰/۰۹۳ ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۷ سطح معناداری

براساس یافته‌های جدول ۳، بین عوامل فرهنگی و ابعاد آن با گرایش به کنش‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. با توجه به ضرایب‌های همبستگی ۰/۴۶۰، ۰/۲۹۰، ۰/۳۵۷ و ۰/۲۸۷ (با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱)، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بیان کرد که زمینه‌های فرهنگی و ابعاد آن با گرایش به کنش‌های اجتماعی همبستگی مستقیم دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از بین زمینه‌های فرهنگی، بعد اعتماد اجتماعی تعمیم یافته رابطه بیشتری با گرایش به کنش‌های اجتماعی دارد.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که بین عوامل هویتی و ابعاد آن و گرایش به کنش‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. براساس تحلیل‌ها، این فرضیه نیز با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۳۴۳ و با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱، پذیرفته می‌شود. همچنین، از بین عوامل و زمینه‌ها، بعد هویتی رابطه قوی‌تری با گرایش به کنش‌های اجتماعی دارد.

مبتنی بر یافته‌ها، بین عوامل ارزشی و گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز رابطه مستقیم وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه عوامل ارزشی مثبت‌تر باشد، گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز بالاتر می‌رود. این فرضیه نیز با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۳۰۵ و با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ پذیرفته می‌شود. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و گرایش به کنش‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۱۵۶ و با سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ تأیید شد.

یافته‌های حاصل از آزمون تی (جدول ۴) همچنین نشان می‌دهد بین میانگین احساس امنیت زنان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد و در بین زنان متأهل میانگین گرایش به کنش‌های اجتماعی کمتر از افراد مجرد است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی مربوط به رابطه بین وضعیت تأهل و گرایش به کنش‌های اجتماعی

سطح معناداری	T	میانگین	جنسیت
۰/۰۰۰	۳/۶۰۹	۳۱/۶۹	مجرد
		۲۹/۷۱	متأهل

برای پیش‌بینی سهم هر یک از عوامل بر گرایش به کنش‌های اجتماعی در این پژوهش، از رگرسیون چند متغیره و تحلیل واریانس نیز استفاده شده که نتایج آن در جداول ۵ تا ۷ ارائه شده است.

جدول ۵. منابع تغییرات متغیر وابسته (تحلیل واریانس)

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	ضرایب
۰/۰۰۰	۲۲/۴۳۲	۴۶۴/۳۷۴	۷	۳۲۵۰/۶۱۵	رگرسیون
		۲۰/۷۰۱	۳۷۷	۶۸۳۱/۴۹۲	باقیمانده
		---	۳۸۴	۱۰۰۸۲/۱۰۷	کل

با توجه به نتایج جدول ۵، مقدار ضریب تعیین برابر ۳۲/۲ درصد است که این درصد، میزان تبیین واریانس و تغییرات گرایش به کنش‌های اجتماعی را توسط مجموعه متغیرهای مستقل پژوهش نمایان می‌سازد. مقدار باقیمانده (معادل ۶۸ درصد) نیز به عوامل دیگری مربوط می‌شود که در پژوهش حاضر در نظر گرفته نشده است. بر اساس داده‌های جدول ۵، میزان F برابر با ۲۲/۴۳۲ است که نشان می‌دهد ضریب تعیین (R^2) به لحاظ آماری با احتمال خطای کمتر از یک درصد معنادار است.

جداول ۶ و ۷ به این پرسش پاسخ می‌دهند که کدام یک از متغیرهای مستقل لحاظ شده در پژوهش حاضر، بر متغیر مستقل تأثیر بیشتری گذاشته و کدام یک تأثیری نگذاشته‌اند.

جدول ۶. خلاصه مشخصات رگرسیون چند متغیری

R	R ^۲	R تعدیل یافته	انحراف استاندارد
۰/۵۶۸	۰/۳۲۲	۰/۳۰۸	۴/۵۴۹۸۹

جدول ۷. ضرایب تأثیر رگرسیونی

عنوان متغیر	B	انحراف استاندارد	Beta	T	Sig
عوامل فرهنگی	۰/۱۶۲	۰/۰۲۸	۰/۳۱۷	۵/۷۰۵	۰/۰۰۰
عوامل ارزشی	۰/۳۲۸	۰/۰۶۹	۰/۲۳۳	۴/۷۷۱	۰/۰۰۰
عوامل هویتی	۰/۱۱۵	۰/۰۳۱	۰/۱۹۸	۳/۷۴۲	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۲۳۹	۰/۰۸۸	۰/۱۲۳	۲/۷۰۷	۰/۰۰۷
سن	۰/۰۲۲	۰/۰۳۰	۰/۰۳۵	۰/۷۴۲	۰/۴۵۸
عدد ثابت (constant)	۹/۵۷۶	۱/۷۵۷		۵/۴۵۰	۰/۰۰۰

نتایج جداول ۶ و ۷ نشان می‌دهد براساس پیش‌فرض‌های روش هم‌زمان، بعد از وارد کردن کلیه متغیرهای مستقل، تمامی آن‌ها به جز سن، با گرایش به کنش در جنبش‌های جدید اجتماعی رابطه معنادار داشته‌اند. لذا سن حذف و مجدداً رگرسیون گرفته شد. اطلاعات جدول ۷، میزان معناداری متغیرهای مستقل با گرایش به کنش در جنبش‌های جدید اجتماعی با ضرایب بتای هر یک را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که بین عوامل فرهنگی و ابعاد آن با گرایش به کنش‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد. از بین زمینه‌های فرهنگی نیز، بعد اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته رابطه بیشتری با گرایش به کنش‌های اجتماعی دارد. همچنین، نتایج نشان داد که بین عوامل هویتی و ابعاد آن و گرایش به کنش‌های اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد و از بین عوامل و زمینه‌ها، بعد هویتی رابطه قوی‌تری با گرایش به کنش‌های اجتماعی دارد. این ارتباط بین عوامل ارزشی و گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز تأیید شد؛ بدین معنا که هرچه عوامل ارزشی مثبت‌تر باشد، گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز بالاتر می‌رود.

وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گرایش به کنش‌های اجتماعی نیز تأیید شد که نشان می‌دهد زمانی که زنان نسبت به جامعه و دیگر اعضای آن، احساس تعلق و خشنودی می‌کنند که به سطحی از رضایت‌مندی رسیده و زمینه‌های لازم برای دسترسی به امکانات برابر برایشان فراهم باشد. به عبارتی، میزان بهره‌مند شدن از این زمینه‌ها و در نتیجه، احساس خشنودی بستگی به سطح رفاه و پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد دارد. لذا زمانی که پایگاه زنان بالاتر باشد، احساس رضایت‌مندی بیشتری از شرایط داشته و به همان میزان نیز گرایش کمتری به کنش‌های اجتماعی خواهند داشت و قادر به تولید و بازتولید آن نیز هستند و برعکس. در عین حال، گرایش به کنش‌های اجتماعی محصول رضایت از شرایط زندگی است و زنان در پایگاه‌های بالاتر از رضایت بیشتری برخوردارند. با این وجود، پائین بودن ضریب همبستگی در این رابطه نشان از دخالت متغیرهای دیگر در آن دارد.

در این پژوهش، وجود تفاوت بین میانگین گرایش زنان مجرد و متأهل به کنش‌های اجتماعی نیز تأیید شد. مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند که معمولاً افراد مجرد بیش از افراد متأهل، گرایش به کنش‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند (کلمنت و کلیمن، ۲۰۰۳). در پژوهش‌های داخلی نیز این رابطه مورد تأیید قرار گرفته است (نوروزی و فولادی سپهر، ۱۳۸۸ و احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹).

با این وصف، می‌توان نتیجه گرفت که مقوله گرایش به کنش‌های جدید زنان، در جامعه ما نیز به‌عنوان یکی از جوامعی که در روند گذار و تغییرات جهانی و ملی است، دارای اهمیتی فراوان است و این موضوع از چشم پژوهشگران داخلی دور نمانده است (ربانی خوارسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱؛ علیخواه و نجیبی ربیعی، ۱۳۸۴؛ کرامتی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و غیره).

کارشناسان ادعا می‌کنند که جنبش‌های فرهنگی جدید زنان، به دلیل ماهیت نرم افزارانه، ظرفیت لازم برای تقویت سایر جنبش‌ها مانند دانشجویی، کارگری و قومی را دارا هستند و ممکن است به سمت گرایش‌های افراطی‌تر متمایل شود و در اینجا است که پلیس لازم است وارد عمل شده و یگان ویژه بایستی نیروهای زن و آموزش‌دیده را برای کنترل آن در اختیار داشته باشد. چنین مصداق‌هایی در ایران وجود داشته‌اند [به‌طور مثال در سال ۸۲ حدود ۴۴ گروه فمینیستی در پارک لاله اعلام برنامه کردند] و می‌توانند باز هم مشاهده شوند.

همچنین، نتایج این پژوهش گواهی بر آن است که اگر دولت مردان بتوانند همگرایی بیشتر زنان را در عرصه‌های فرهنگی ایجاد کنند، زمینه‌های گرایش به کنش‌های جدید زنان کاهش خواهد یافت. این امر برای ایران که در آن زنان جوان با افزایش تحصیلات در سطح آموزش عالی، بیشتر در مناسبات با دیگر

اعضای جامعه قرار گرفته‌اند، مهم تلقی می‌شود.

پیشنهادها: مبتنی بر نتایج این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود.

- بر اساس نتایج و یافته‌ها، انواع، ماهیت و شرایط کنش‌های فمینیستی در ایران هنوز ماهیت جنبش را پیدا نکرده، هرچند خیزی که از دو دهه قبل برداشته شده بود، تلاش بر وقوع این امر بوده است؛ لذا برخورد مستقیم و سخت درست نیست، اما آگاهی و رصد تحولات ضرورت خواهد داشت؛
- اثربخشی اطلاعات در سه جنبه آن یعنی جمع‌آوری، تحلیل و ارسال آن‌ها در رابطه با پویای اجتماعی نقش محوری دارد؛ بنابراین ضروری است همه بخش‌های پلیس نسبت به حرکت‌های جنبش‌های نرم از اطلاعات به هنگام برخوردار و از ماهیت آنان آگاهی داشته باشند.

منابع

- اممن، تی. کی (۱۳۸۶). جنبش‌های اجتماعی جدید (تقی احمدلو، مترجم). تهران: انتشارات گلین
- تیلی، چارلز (۱۳۸۹). جنبش‌های اجتماعی (۲۰۰۴ - ۱۷۶۸) (علی مرشدی زاد، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر
- ریشه، گی (۱۳۸۵). تغییرات اجتماعی (منصور وثوقی، مترجم). تهران: نشر نی
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات (گروه مترجمان). تهران: طرح نو
- کلاندر مانز، برت (۱۳۹۴). بنیادهای نظری در جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی (نوذر امین صارمی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیت (محسن تلاشی، مترجم). تهران: نشر مرکز
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱). درآمدی بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)
- نش، کیت (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر
- Buechler, S. M. (1995). New Social Movement Theorie. *The Sociological Quarterly*. 36(3): 441 - 464
- Robertson, M. (2000). Networks and Social Movement: From Metaphor to Theory? Paper for the Conference Social Movement Analysis: The Network Perspective. Glasgow, University of Strathclyde.
- Melucci, A. (1989). *Nomads of the Present: Social Movement and Individual Needs in Contemporary Society*. Edited By John Reane and Paul Mier. Philadelphia, PA: Temple University Press.